

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتاد و هفتم

بهار ۱۳۹۸

بررسی دیدگاه‌های تفسیری عبدالجلیل قزوینی در مواجهه با موانع وحدت و

هم‌گرایی در دوران سلجوقی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۶

۱ طلعت ده پهلوانی

۲ اصغر منتظرالقائم

۳ مصطفی پیرمردیان

هم‌زمان با قدرت‌یابی سلجوقیان در ایران (۴۲۹-۵۵۲ ق) اختلافات و تنش‌های مذهبی میان مسلمانان رشد یافت. در این دوران، برخی از متفکران گام‌هایی مؤثر برای از میان برداشتن باورهای کلامی تفرقه‌افکنانه و جای‌گزین کردن آن با اندیشه‌های هم‌گرایانه و کنش‌های مصلحانه برداشتند. عبدالجلیل قزوینی رازی (د. ۶۰۶ ق) یکی از عالمان شیعی است که در این دوره به موضوع هم‌گرایی مذهبی پرداخت. مقاله پیش رو بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با روش وصفی تحلیلی بر آن است که بینش و کنش هم‌گرایانه عبدالجلیل قزوینی رازی را بکاود. یافته‌های این پژوهش نشان دهنده آن است که مهم‌ترین اقدامات او در این زمینه، تبیین باورهای مشترک دینی، مناظرات و گفت‌وگوهای آزاد علمی، نقد باورهای

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان (pahlavant65@gmail.com).

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (montazer5337@yahoo.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (mostafapirmoradian@yahoo.com).

افراطی گروه‌هایی مانند مرجئه و جبریه و پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و اتهامات کلامی و فقهی علیه شیعیان بود.

**کلیدواژگان:** عبدالجلیل قزوینی، عصر سلجوقیان، ری، هم‌گرایی مذاهب، گفت‌وگوی

علمی.

### ۱. مقدمه

اندیشه هم‌گرایی مذهبی از موضوعاتی است که تأثیر زیادی بر گسترش تمدن اسلامی داشته است. مسلمانان در بسیاری از مسائل اعتقادی دارای آرا و عقاید مشترکی هستند که توجه به آنها اختلافات و تعصبات را از بین می‌برد و زمینه وحدت و پیشرفت تمدن اسلامی را فراهم می‌سازد. لغت هم‌گرایی<sup>۱</sup> در اصطلاح به معنای زدودن و رفع اختلافات مذهبی و ایجاد همکاری بین پیروان مذاهب اسلامی براساس پیروی از قرآن و سنت است. این اصطلاح از ابداعات دوره جدید است و در پژوهش‌های تاریخی از آن به عنوان مفهومی نو برای بررسی گذشته تاریخی استفاده می‌شود.<sup>۲</sup> عبدالجلیل قزوینی یکی از عالمان عقل‌گرای شیعی، فردی بود که با دیدگاه بزرگان شیعه و اهل سنت و اندیشه‌های فرّق و مذاهب مختلف در بین مردم، آشنایی کامل داشت. او در حوزه فکر و اندیشه، یکی از نظریه پردازان بزرگ شیعه به خصوص در قرون میانه ایران اسلامی بود.<sup>۳</sup> وی با علم به وضعیت شیعیان به خصوص در ری به دلیل مجاورت با مراکز سیاسی-مذهبی اهل سنت، تضعیف پشتوانه سیاسی و کسب تجربه از حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، باب القاف، ص ۳۰۹.

۲. شفاپی، «ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم»، *پیشگامان تقریب*، ۱۳۹۰، ش ۲۹.

۳. عبدالجلیل قزوینی رازی، تنها کسی نیست که اندیشه‌های وحدت‌گرایانه و تقریب مذاهب را مطرح می‌کند. متفکران بزرگی چون خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ طوسی و علامه حلی در تکاپوی وحدت امت اسلامی بودند (ر.ک: جمعی از نویسندگان، *مجموعه مقالات گنگره بزرگداشت عبدالجلیل القزوینی*).

دریافت که حفظ مکتب شیعه با تفسیر هم‌گرایانه در مباحث اعتقادی و با تعدیل دیدگاه‌های تفسیری ممکن است.

## ۲. پیشینه پژوهش

هم‌گرایی و وحدت اسلامی، موضوعی است که در قرآن و سیرت معصومان علیهم‌السلام برای ممانعت از اختلافات امت اسلامی به چشم می‌خورد. در راستای این موضوع، مقالات و کتاب‌های فراوانی نوشته شده است. به عنوان نمونه، مقاله شیخ عبدالجلیل قزوینی و اندیشه تفاهم مذهبی نوشته دکتر رسول جعفریان است. وی در این مقاله به کنش‌های عبدالجلیل در برابر فرق اهل تسنن و آثار نامطلوب اندیشه‌های غلات، مانند تشبیه، تجسیم و جبریّه در میان شیعیان و زدودن هرگونه تعلیل و تحلیل در مسائل اعتقادی می‌پردازد. هم‌چنین به تلاش‌های عالمانه عبدالجلیل قزوینی در اهتمام به مسئله وحدت و پرهیز از هرگونه افتراق مذهبی اشاره می‌کند.

مقالات دیگر هم‌چون *ابن شهر آشوب، عالم تقریبی قرن ششم* نوشته امان‌الله شفایی یا *گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی* نوشته علی اصغر احمدی، رویکرد تقریبی متفکران شیعی بررسی می‌کنند.<sup>۱</sup> هم‌چنین، مجموعه مقالات *بزرگداشت عبدالجلیل قزوینی* که در هیچ یک از این مقالات به موضوع هم‌گرایی امت اسلام پرداخته نشده است.<sup>۲</sup> هم‌چنین، اتان کلبگ در مقاله *مطالعات غرب در خصوص اسلام تشیع* با بی‌ارزش جلوه دادن اختلافات اعتقادی مسلمان بر تقریب<sup>۳</sup> مذاهب به عنوان امر مسالمت‌جو تأکید دارد.<sup>۴</sup>

۱. شفایی، «ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم»، *پیشگامان تقریب*، ۱۳۹۰، ش ۲۹، ص ۸۵-۹۶.

۲. جمعی از نویسندگان، *مقالات بزرگداشت عبدالجلیل قزوینی* (۱).

۳. تقریب از ریشه قَرَبَ از نظر لغوی به معنای نزدیک‌کردن است و در اصطلاح به معنای زدودن و رفع اختلافات اعتقادی و ایجاد همکاری بین رهبران و پیروان فرق اسلامی و پیروی از قرآن و سنت است (ر.ک: ابن منظور، *لسان العرب*، باب القاف، ص ۳۰۹).

۴. اتان کلبگ، «مطالعات غرب در خصوص اسلام تشیع»، *هفت آسمان*، ش ۷۰.

با توجه به این که محور این پژوهش، تلاش‌های عبدالجلیل قزوینی در راستای هم‌گرایی و تقریب مذاهب است، مقاله حاضر، متون تفسیری و مقالات مرتبط با اندیشه تقریب، هم‌گرایی امت، موانع و اختلافات را از دیدگاه عبدالجلیل قزوینی بررسی می‌نماید.

### ۳. شرح حال

#### ۳-۱. شرایط سیاسی و اجتماعی عصر قزوینی

در زمان عبدالجلیل قزوینی (۵۵۹-۶۰۶ ق) اختلافات طبقه حاکم و خاندان‌های حکومت‌گر سلجوقی شدت گرفت و سلسله‌هایی با عنوان سلجوقیان عراق و کردستان، سلجوقیان روم، شام و کرمان قدرت را در دست داشتند و قدرت سیاسی در تبادل و رفت و آمد میان امیران بود. افزون بر این، قدرت دیگری با عنوان اتابکان پیدا شده بود که تفرقه را بیشتر می‌کرد. این قدرت اخیر، سبب پیدا شدن سلسله اتابکان آذربایجان و همدان، اتابکان فارس، اتابکان شبانکاره شیراز و اتابکان لرستان کبرا شد.<sup>۱</sup>

در این دوران، آشوب‌های سیاسی و تزلزل حاکم بود و ری از حکم کلی این قاعده مستثنا نبود. قزوینی در ری در میان این جریان‌های فکری می‌زیست. وی از علمای مشهور امامیه و با نفوذ ری در اواخر قرن پنجم هجری بود<sup>۲</sup> که در مجالس و سخنرانی‌هایش افراد زیادی از فرق مختلف حضور می‌یافتند.<sup>۳</sup> حضور مردم از ادیان و مذاهب مختلف اسلامی در سخنرانی‌های عبدالجلیل در دورانی که اختلافات و تبلیغات گسترده مذهبی در ری، نیشابور، اصفهان و بغداد بیداد می‌کرد،<sup>۴</sup> گویای قدرت سخنوری، نفوذ کلام و جایگاه علمی وی در جامعه است.

۱. حسینی شاه ترابی، «سید مرتضی»، سخن تاریخ، ش ۳، ص ۳۰، ۵۶.

۲. وی بر عالمانی بزرگ، چون ابوالفتوح رازی (ق ۶)، صفی‌الدین رازی (ق ۶)، سدیدالدین حمصی رازی (ق ۶)، منتجب‌الدین رازی (۵۰۴-۵۸۵ ق) و قطب‌الدین رازی (د. ۶۹۶-۷۶۶ ق) تأثیرگذار بوده است (ر.ک: هدایتی، تاریخ آستانه ری، ص ۳۳).

۳. عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۶؛ طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۰.

۴. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۲۳۶-۲۳۸؛ ۲۶۶-۲۶۷.

برخی از آثار وی کتاب‌های بعض المثالب النواصب فی النقص بعض فضائح الروافض، البراهین فی إمامة أمير المؤمنين عليه السلام، السؤالات و الجوابات در هفت جلد، مفتاح التذکیر و تنزیه عایشه است که اکنون تنها اثر مهم و در دسترس وی کتاب النقص است.<sup>۱</sup>

با این وجود، شناخت دوران عبدالجلیل قزوینی در واقع شناخت بخشی از علل و عوامل سقوط خلافت عباسی به دست مغولان است که با یورش مغولان (۶۵۶ ق)، دوران آشفتگی و اختلافات مذهبی جهان اسلام را فراگرفت. در این دوره، خلافت عباسیان، قدرت خود را از دست داد.<sup>۲</sup>

وی پنجاه سال، پیش از یورش مغولان به ایران و نابودی تمدن و آبادانی این مرز و بوم می‌زیسته است. برای شناخت آن روزگار، منابع مهمی وجود دارد، اما گزارش‌های عبدالجلیل قزوینی از این دوران، دقیق‌تر و قابل اعتمادتر است؛ زیرا وی در این گزارش‌ها به حقایق می‌پردازد که در دیگر آثار، کمتر می‌توان سراغ آنها را گرفت.<sup>۳</sup>

### ۲-۳. طرح اندیشه‌های کلامی در تحکیم وحدت و هم‌گرایی اسلامی

در دوره سلجوقیان، حمله‌های فراوانی از شرق و غرب جهان اسلام، چون هجوم صلیبیان (قرن پنجم تا هفتم هجری) از غرب و حملات پیاپی ترکان از شرق، ثبات و آرامش را از جامعه اسلامی ربوده بود.<sup>۴</sup> جبهه بندی‌های مذهبی شهرهای ایران، این سرزمین را به صحنه کشاکش شدید مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده بود.<sup>۵</sup> که سیاست خشونت مذهبی غزنویان (۳۵۱-۳۸۲ ه.ق) در این وضعیت بی‌تأثیر نبود.<sup>۶</sup>

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ص ۱۰۲، ۲۵۱.

۲. کریمان، ری باستان، ص ۱۲۶.

۳. قزوینی رازی، النقص، ص ۱۲۸.

۴. در این باره دو کتاب *الکامل فی التاریخ و التاریخ الباهر مهم هستند*. ابن اثیر، گزارش‌های تفصیلی از درگیری‌های صلیبیان با مسلمانان آورده است که خود از نزدیک شاهد حوادث و اتفاقات مهم این جنگ‌ها بوده است (ر.ک: ابن اثیر، *الکامل*، ۱۴۰۷، ج ۱۰).

۵. قزوینی، النقص، ص ۲۷۶-۲۷۸؛ ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۲.

۶. قم، کاشان، کرج، ساری، نیشابور، سبزوار و ورامین در اختیار شیعیان بود و قزوین، اصفهان، همدان، گلپایگان و خوزستان در اختیار اهل سنت قرار داشت (قزوینی، *النقص*، ۴۳۶-۴۳۸، ۵۷۷، ۱۳۰۹).

مجالس دینی - کلامی در دوران قزوینی، رونق بسیاری داشت. مراکز و مجالس علمی شیعی به روی عالمان شیعه و سنی باز بود و زمینه ارتباط مناسب بین اندیشمندان شیعه و سنی را فراهم می‌کرد تا تبادل افکار و اندیشه جای‌گزین خشونت و نزاع شود. با این حال، اغراض سیاسی و تعصب دینی در این مسیر کارشکنی می‌کرد.

سید ضیاءالدین فضل‌الله راوندی (۴۸۳-۵۷۱ ه.ق) از مشهورترین اساتید زمان خود بود که شخصیت‌هایی، مانند دانشمند مشهور اهل سنت ابوسعید عبدالکریم سمعانی مروزی (۵۰۶-۵۶۲ ه.ق) صاحب *الانساب* در محضر او کسب علم نمود.<sup>۱</sup> این امر در گزارش‌هایی که عبد الجلیل آورده است و هم شرح حال دیگر اندیشوران هم عصر وی مشاهده می‌شود.<sup>۲</sup>

عبدالجلیل قزوینی در مبحثی که برای گزارش رونق مدارس شیعه در ری و دیگر شهرهای شیعه نشین ارائه می‌دهد، یکی از دلایل رونق این مدارس را وجود کرسی‌های مناظره در این مدارس می‌داند.<sup>۳</sup> مطالعه شرح حال علمای ری در *الفهرست منتجب‌الدین رازی* (۵۰۴-۵۸۹ ه.ق) نشان می‌دهد که اهمیت حضور علمای بغداد در میان اساتید، به حدی بوده است که می‌توان مدرسه ری را در این دوره، استمرار مکتب بغداد دانست.<sup>۴</sup>

۱. منتجب‌الدین، *الفهرست*، ص ۱۳۵؛ قزوینی رازی، *التقض*، ص ۱۹۸.

۲. برای نمونه، فخرالدین رازی (۵۴۴ - ۶۰۶ ه.ق) که در این دوران زندگی می‌کرد در مجلس مناظره‌ای در بخارا با علمای بخارا به بحث نشست (طاهری عراقی، «زندگی فخر رازی»، معارف، ش ۱، ۱۳۶۵).

۳. ری همواره مکان رشد عالمان و متفکران بزرگ اسلامی بوده است که دست‌کم، بیش از ۸۸ تن از محدثان و متفکران امامی با نام رازی شناخته شده‌اند که سال‌ها در ری زیسته‌اند و بدین سبب، رازی نامیده شده‌اند. عالمان و متفکرانی چون ثقه الاسلام کلینی (۳۲۹ ق)، ابن قیّبه رازی و ابن مُسکویه (عطاردی قوچانی، *عبدالعظیم حسنی حیات و المسند*، ج ۳، ۴۸۳، ۴۷۰، ۳۶۶؛ ج ۲، ص ۵۱۵، ۵۲۵، ۵۷۳؛ ابن اثیر،

*الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ص ۵۸؛ قزوینی رازی، *التقض*، ص ۳۴).

۴. شیخ الصدوق، *معانی الأخبار*، ج ۱، ص ۲۵۹، ۳۶۰.

این امر به قدرت طلبان و زورگویان، این فرصت را داد از اختلافات مذهبی به سود خود بهره گیرند و در سایه اختلافها، بقای خود را تضمین کنند. شدت تعصب علمای اهل سنت درباره خلفا و صحابه و اصرار در عادل دانستن آنان بدون استثنا، این مشکل را برای شیعه پیش آورد که جرئت هیچ‌گونه، اعتراض و انتقادی را نسبت به آنان نداشته باشند. نتیجه طبیعی این پدیده، مساوی شدن مفهوم حاکم عادل با مفهوم گرایش مذهبی شد و عالمان مذاهب و گرایش‌های کلامی و فقهی در سایه قدرت‌های یاد شده، به تدوین آثاری علیه جریان‌های دیگر می‌پرداختند.

این پدیده در پاره‌ای از شهرها، رونق بیشتری داشت.<sup>۱</sup> ری یکی از این شهرها بود که از قرن چهارم تا قرن ششم هجری، محل درگیری فکری و کلامی بین گرایش‌های مذهبی گوناگون بود.<sup>۲</sup> برخی از علمای شیعی، مانند عبدالجلیل قزوینی، مردم را به سمت مشترکات عقیدتی - مذهبی سوق می‌دادند تا اهرمی برای کاهش خشونت مذهبی ایجاد شود.<sup>۳</sup>

۱. حسن انصاری قمی در مقاله‌ای به نمونه‌هایی از مناظرات و ردیه نویسی در منطقه یمن در بین زیدیه‌ها، اشاره‌هایی خواندنی می‌کند (حسن انصاری قمی، «زیدیه و چالش‌ها و معتزله»، کتاب ماه دین، ش ۳۶).  
 ۲. ری، یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی ایران است که قدمت چندین هزار ساله دارد و مردمان آن را قومی با تمدن توصیف کرده‌اند. این شهر در سال ۲۲ هجری به دست مسلمانان افتاد و از آن پس توسعه یافت و تا به آنجا گسترش یافت که پیش از حمله مغول (۶۱۶ ق)، یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین سرزمین‌های اسلامی بود که جمعیت آن را حدود دو میلیون نفر گزارش کرده‌اند (ابن طباطبا، مهاجران آل ابی‌طالب، ص ۲۳۱، حسینیان مقدم، تاریخ تشیع، ج ۲، ص ۳۲۶).

3. Kafesoglu, Ibrahim .A History of Seljuks: Ibrahim Kafesoglus Interpretation and the Resulting Controversy, tra, Gary leiser, Carbondale: Southern in University Press .1988: pp: 92-94

Koblberg, Etan .Be Life and Law in Imami Shiism, Grent: Britain Variorum.-1991T pp 21-18

#### ۴. روش‌های عملی اندیشه وحدت و هم‌گرایی از دیدگاه عبدالجلیل قزوینی

با توجه به روابط خشونت آمیز میان اهل سنت و شیعیان، به طور طبیعی احساس نیاز به رفع تخاصم در میان متفکران مسلمان به وجود آمده بود. بر این اساس، سلجوقیان با وجود تعصبات مذهبی به اقتضای سیاست حکومت داری، از استمرار این روند ناخشنود بودند. شواهدی تاریخی، تمایل آنان به ایجاد نوعی هم‌گرایی مذهبی را نشان می‌دهد.

حضور متفکرانی هم‌چون عبدالجلیل قزوینی و سایر اندیشمندان در اجرای این امر بسیار مؤثر بوده است. آنان از روش‌هایی برای تقریب مذاهب استفاده می‌کردند که می‌توان به روش‌های عملی اشاره کرد. روش‌های عملی هم‌گرایی مذهبی به دو دسته کلی تقسیم می‌گردد: طرح‌های علمی هم‌گرایی و طرح‌های سیاسی هم‌گرایی.

در واقع در هر دو روش از مسیر تحقق وحدت امت اسلامی سخن به میان می‌آید. طرح علمی هم‌گرایی بر محور امور مشترک مذاهب اسلامی با صرف نظر کردن از کل مسائل و اختلافات دینی، ادغام مذاهب در یکدیگر، مصالحه بین آنها و مخیر بودن مسلمانان در انتخاب هر کدام از آنها تکیه دارد.

روش سیاسی هم‌گرایی در جامعه اسلامی در حقیقت راه تقریب مذاهب و مربوط به وحدت امت اسلامی است. البته هدف اصلی از طرح تقریب مذاهب اسلامی دستیابی به یک نوع وحدت سیاسی - اجتماعی در میان امت اسلام است.

بنابراین، طرح اندیشه هم‌گرایی، خیزش فرهنگی و بالندگی اسلام باتوجه به الزامات حساس دوران عبدالجلیل قزوینی که اختلافات بین شیعه و سنی در بین اقشار عامه رو به گسترش است، بدون ارائه راهکارهای صحیح، یک ایده آرمانی بیش نخواهد بود؛ زیرا ارائه راهکارها تنها مقدمه‌ای برای وحدت به دور از چالش‌ها است.<sup>۱</sup>

۱. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۲۳۶ - ۲۳۸؛ ۲۶۶ - ۲۶۷.



## ۴-۱. طرح روش‌های علمی هم‌گرایی

## ۴-۱-۱. تکیه بر اصول و مشترکات مذاهب

قلمرو گسترده تحت نفوذ سلجوقیان و حمایت و پشتیبانی آنان از مذاهب فراگیر اهل سنت، مبارزه شدید با اقلیت‌های مذهبی چون اسماعیلیان، تأسیس سازمان اطلاع‌رسانی برید برای زیر نظر داشتن مستقیم امور کشور بوده است.<sup>۱</sup> عالمان ری به دلیل مجاورت با اهل تسنن و مراکز سیاسی مذهبی آنان، با کسب تجربه از حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای و تضعیف پشتوانه سیاسی دریافتند که حفظ کیان شیعه با تقریب و اجتناب از منازعات میسر است.

بنابراین، آنان از منازعات درونی اهل سنت کناره‌گیری کردند و خود را از کانون‌های تنش و درگیری دور نگه می‌داشتند. چنان‌که در منازعات بین اهل تسنن، گزارشی از حضور متکلمان شیعی به چشم نمی‌خورد. هم‌چنین، متکلمان شیعی کوشیدند از درگیری با اهل سنت اجتناب کنند و آنان را به طرف مشترکات عقیدتی و مذهبی سوق دهند<sup>۲</sup> تا اهرمی برای تقریب و کاهش خشونت شود.<sup>۳</sup>

۱. حائری، ایران و جهان اسلام، ص ۲۲-۲۷.

۲. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) متکلم، فقیه و مفسر شیعی کوشید این مشترکات را در آیات، روایات و حوزه‌های منقول و معقول بیابد. وی با در نظر گرفتن فضای علمی بی‌نظیری که به علت تعدد مذاهب و اختلاف گروه‌ها در بغداد ایجاد شده بود، دست به اقدام تازه‌ای زد که ایجاد فقه مقارن بود. وی در این زمینه، کتاب الخلاف را نوشت و در آن ضمن مباحث فقهی شیعه، آرای عمده مذاهب فقهی اهل سنت را مطرح نمود و حتی از بیان سخنان آنها هم چشم‌پوشی نکرد. به عنوان مثال، طرح دو اصل قیاس و استحسان در الخلاف، حکایت از اندیشه بلند تقریبی شیخ دارد؛ زیرا آنها دو اصل فقهی غالب اهل سنت هستند و در فقه شیعه کاربردی ندارند و شیخ تنها برای اتخاذ روش منطقی جدل در برابر فقهای مذاهب دیگر اسلامی از این دو اصل استفاده کرده است (صدر، «مقام فقهی شیخ طوسی»، هزاره شیخ طوسی، ۴۱۳).

3. Kafesoglu, 1988: 92 ; Kolberg, 1991: 18.

عبدالجلیل قزوینی براساس اصول مشترکی، هم‌چون توحید، دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و با تمسک به شخصیت‌های برجسته شیعه، مانند خواجه ابوتراب دوریستی (د. قرن پنجم ه.ق)<sup>۱</sup> در پی ایجاد جبهه مشترک با دیگر مذاهب اسلامی بود.<sup>۲</sup> عبدالجلیل قزوینی بر اساس پذیرش اعتدال و وحدت امت بر بنیاد اصول مشترک عدل، توحید و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام تلاش‌های مستمری در این راستا انجام داد. او در کتاب *التقص می‌نویسد:*

بحمدالله هیچ مسلمان، منقبت آل رسول را منکر نباشد و بشنوند و دوست ندارد، مگر کسی که مجبّر باشد.<sup>۳</sup>

تکثرگرایی به نوعی به معنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مذاهب اسلامی است.<sup>۴</sup> قزوینی به اصل نجات پیروان مذاهب مختلف اسلامی در قیامت به شرط اعتقاد به اصول کلی عدل، توحید، دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و پرهیز از جبر، تشبیه و تعطیل اعتقاد داشته است<sup>۵</sup> و برای گسترش مفهوم شیعه تلاش می‌کرد. به عنوان نمونه می‌نویسد:

امام ابوحنیفه کوفی رضی الله عنه ... فضیلتی اصحاب او را معلوم است که او را منصور کشت به سبب دوستی و پیروی از آل رسول الله از بزرگان تابعان است و چند صحابی را دیده است؛ چون جابر بن عبدالله و انس بن مالک... و همه روایت از امام محمد باقر علیه‌السلام و امام جعفر صادق علیه‌السلام کنند و موحد و عدلی مذهب بوده و به آل مصطفی توّل کرده است... و در رحمت و جوار خدای باشد.<sup>۶</sup>

۱. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۹۵.

۲. قزوینی رازی، *التقص*، ص ۶۴-۶۵.

۳. همان، ص ۲۶۳.

۴. همان، ص ۶۳-۶۴.

۵. همان، ص ۶۴-۶۵.

۶. همان، ص ۶۳.

قزوینی بسیار می‌کوشید بین پیروان مذاهب حنفیه و شافعیه با اعتقادات شیعه اثناعشری، نزدیکی ایجاد کند. هم‌چنین با ارائه مجموعه بزرگی از روایات مشترک میان شیعه و سنی، زمینه مناسبی را برای هم‌گرایی دینی برقرار نماید. وی اختلافات را برگرفته از تأویل روایات می‌دانست.<sup>۱</sup>

گزارش‌های عبدالجلیل رازی در *التقض* در کنار دیگر شواهد تاریخی نشان می‌دهد که متفکران شیعه با عملکرد تقریبی و امت‌گرایانه خود، برخلاف دوره نخست حکومت سلجوقیان، از عزت و اقتدار خوبی برخوردار بودند و در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی و تبلیغی به طور جدی فعالیت می‌کردند.

به عنوان نمونه، سخنان نویسنده *بعض فضائح الروافض*<sup>۲</sup> در کنار ناراحتی او از سلجوقیان و تأسف بر دوره اقتدار خلافت اموی (۴۱-۱۳۲ ه.ق) و عباسی (۱۳۲-۵۶۵ ه.ق)، نشانه‌هایی بر این امر است.<sup>۳</sup> او تلاش می‌کند، این تساهل و تسامح را بیان نماید و برای نمونه، حادثه حمله خلیفه دوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام و شهادت فرزندشان محسن علیه السلام را توجیه می‌کند.<sup>۴</sup> وی دشمن خود را از هرگونه خشونت مذهبی بر حذر می‌دارد؛ زیرا «اعرف الحق تعرف اهله و جواب جنگ نباشد».<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۳۱.

۲. شیخ عبدالجلیل قزوینی می‌نویسد: «بر پشت مجموعه نام مصنف نباشد». نویسنده *بعض فضائح الروافض*، شهاب‌الدین تواریخی رازی از خاندان بنی مشاط است. جالب توجه آن که ابوالفضل مشاط نویسنده *زلة الانبياء* در برابر *تنزیه الانبياء* سید مرتضی از این خاندان است (همان، ص ۵-۶).

۳. همان، ص ۱۰۸، ۳۱-۶۳، ۲۶۱.

۴. ... ممکن که خود نداند که فاطمه در پس در ایستاده است اگر چنین باشد، آن را قتل خطا گویند و اگر هم عمداً باشد که او معصوم نیست. حاکم خداوند است در آن نه ما. و در این فصل بیش از این نتوان گفت. والله اعلم باعمال عباد و بضائیرهم و بسرائیرهم همچنین در پاسخ به این سؤال که شیعیان می‌گویند: عمر و عثمان حضرت فاطمه را از گریه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله منع می‌کردند، می‌نویسد که آنان طاقت نداشتند که جگرگوشه حضرت زهرا علیها السلام زاری کند و بر خود خواری کند (همان، ص ۲۹۸-۲۹۹).

۵. همان، ص ۱۴۷.

وضعیت بد شیعیان در دوره‌های پیشین، به ویژه در عصر غزنویان و آغاز حکومت سلجوقیان،<sup>۱</sup> در کنار تشدید اختلافات و نزاع‌های قومی و ایجاد نوعی شکاف عمیق اجتماعی، عقل‌گرایان شیعه را به تقویت جریان اعتدالی شیعه فرا می‌خواند و تا اندازه‌ای با موج احساس نیاز شدید گروه‌های مذهبی به انتساب فراگیر به گذشته، در قالب شورایی از بزرگان اهل سنت همراه ساخته بود.

شیعیان در این دوره، پس از گذار از مراحل مختلف تاریخی و در پی افول جریان اعتزال، به دنبال تشکیل جبهه گسترده و نیرومندتری در برابر مخالفان بودند. آنان از یک سو در اندیشه هم‌گرایی با عموم فرق معتدل اسلامی بودند و از سوی دیگر، تلاش می‌کردند به گرایش‌های افراطی در میان خویش و اهل سنت خاتمه دهند.

بنابراین، عناوینی هم‌چون حشویه و غلات که کم و بیش در آثار متقدمان شیعه، مانند شیخ مفید در *تصحیح الاعتقادات الامامیه*<sup>۲</sup>، سید مرتضی در *مجموعه رسائل*<sup>۳</sup> و شیخ صدوق در *من لایحضر الفقیه*<sup>۴</sup> به کار می‌رفت، مورد توجه ویژه نویسندگان کتاب *نقض قرار* گرفته است.

وی با توجه به اصول و مبانی اسلام که میان بسیاری از فرق اسلامی مشترک است، تلاش می‌کند در کنار معتزلیان، حنفیان، شافعیان و زیدیه، جبهه قدرت‌مندی در برابر اشعریان و حنبلیان<sup>۵</sup> تحت عنوان *مجبّره* و حشویه پدید آورد.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۷۸-۷۹.

۲. مفید، *تصحیح الاعتقادات الامامیه*، ص ۸۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۳.

۳. سید مرتضی، *مجموعه رسائل*، ج ۱، ۱۵۷.

۴. ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، *من لایحضر الفقیه*، ج ۱، ص ۳۵۹.

۵. احمد بن حنبل در خصوص محبت اهل بیت، تلاش‌هایی ستودنی در تعدیل عثمانی‌گری افراطی برخی اهل سنت از خود نشان داده است که در فضایل فراوان اهل بیت در دو *مجمع مسند و فضائل الصحابه* نمود یافته است (برای مطالعه درباره تأثیر ابن حنبل در تعدیل اهل سنت، رک: جعفریان، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذاهب اهل سنت»، *هفت آسمان*، ۱۳۷۰، ش ۵، ص ۱۶۷).

۶. حائری، *ایران و جهان اسلام*، ص ۲۲-۲۴.

## ۴-۱-۲. نهی از داشتن تعصب و خشونت مذهبی

عبدالجلیل قزوینی دشمن خویش را از هرگونه خشونت مذهبی بر حذر می‌دارد و از اتهام تکفیر و تفسیق و القای تهمت‌های مذهبی، سخت بیزار است و آن را بدعت و برخلاف سنت نیکوی اهل علم می‌شمارد. او در این باره می‌نویسد:

پنداری از عهد خلافت ابوبکر الی هذا الیوم در همه اصحاب سنت، از این مصنف فاضل‌تر و عالم‌تر و متعصب‌تر و مشفق‌تر نبوده است که کتابی بنویسد و آن را بعض فضائح الروافض نام نهد. پس فرا می‌نماید که او عالم‌تر و فاضل‌تر از همه متقدمان و متأخران است تا چندین تشنیع و دروغ و بهتان بعد از پانصد سال جمع کند و مسلمانان را ملحد بخواند.<sup>۱</sup>

هم‌چنین در جای دیگر، در پاسخ این اتهام که شیعه با صحابه رسول ﷺ، سلف صالح و همسران رسول ﷺ دشمن است، کتابی با عنوان تنزیه عایشه می‌نویسد که به احتمال درباره رفع اتهام قذف از عایشه در قرآن بوده است، اما برخلاف رأی میرزا عبدالله افندی،<sup>۲</sup> شیخ عبدالجلیل رازی تنها به رفع اتهام قذف از عایشه نمی‌پردازد و بر وی در زمره زنان پیامبر ﷺ درود می‌فرستد. با این حال، توبه را بر عایشه در ماجرای مخالفت با علی علیه السلام واجب می‌شمارد و او در جریان ممانعت از دفن امام حسن علیه السلام کنار رسول الله صلی الله علیه و آله سرزنش می‌کند.<sup>۳</sup>

قزوینی گاه به دشمنان اهل بیت علیهم السلام اظهار محبت می‌کند ولی مخالفان اهل بیت علیهم السلام را به دلیل خودداری از بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام سرزنش می‌کند و در این باره می‌نویسد:

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۳۹۰.

۳. همان، ص ۶۳۹.

فتح دیار گبرکان و دیار کافران در عهد عمر بن خطاب بود، چنین است و بر این قول انکار نیست، اما از بیان اسامی مبارزان و نیاکان که جهاد کرده‌اند و غزوات و فتح‌ها به دست و تیغ ایشان برآمده است، همچنین جزاهم الله عن الاسلام و المسلمین خیرا... و از غایت ناصبی‌ای خارجی‌ای امیرالمؤمنین را یاد نکرده است... اما خالد بن ولید، که دشمن رسول الله است و عمر بن سعد است که سر حسین علی بریده است و شرحبیل مشیر معاویه است، در کشتن حسن علی و خواجه فریضه شناسد نام ایشان به نیکی یاد کردن و اما نوبت چون به علی و آل او رسد، بغض مادر آورش رها نکند.<sup>۱</sup>

بنابراین، با وجود احترام به صحابه و خلفاء، موضع شیعی خویش را به طور کامل حفظ می‌کند و مشروعیت خلافت آنان را نمی‌پذیرد. در واقع، «مذهب شیعه در حق صحابه، کفر و شرک نیست. آن است که با وجود امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ابوبکر و غیر بوبکر را استحقاق امامت نیست به فقد شرایط موجهه».<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۳. توجیه عقلانی اسناد تفرقه افکنانه میان مسلمانان

عبدالجلیل قزوینی برای وحدت امت و هم‌گرایی مذهبی به نشان دادن مجموعه‌ای از روایات مشترک میان آنها می‌پردازد و اختلاف را در تأویل روایات می‌داند. او در این باره می‌نویسد:

هیچ خبر نباشد که شیعه از ائمه خود روایت کنند و الا در آن روایات، بسیاری از اصحاب ابوحنیفه و شافعی ایشان را موافق باشند در آن الفاظ و در بیشتر معانی اگر خلافتی نباشد، حتی در تأویل خبر که متفق علیه هستند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۴۹، ۱۵۰.

۲. همان، ص ۲۵۷.

۳. همان، ص ۳۱.

عبدالجلیل قزوینی در مقام دفاع از اتهام دشمن، به نقد برخی از روایات، معتقدات و احکام فقهی شیعه می‌پردازد که یا اسناد آنها به شیعه دروغ محض است و یا اعتبار و درستی آنها از نظر شیعه مردود است. روایات همراهی ابوبکر با پیامبر ﷺ به هنگام هجرت از مکه، به دلیل هراس پیامبر ﷺ از خیانت وی؛ مشارکت عمر، ابوبکر و برخی از صحابه در ماجرای ترور پیامبر ﷺ، تأویل برخی از آیات عذاب کافران درباره ابوبکر و عمر؛ احادیث ارتداد مسلمانان پس از پیامبر ﷺ به جز چند نفر معدود و گواهی اشهد ان علیا ولی الله در اذان، نمونه‌هایی هستند که قزوینی به آنها اشاره می‌کند. او در مثالی در این باره می‌نویسد:

علی بن ابراهیم، که از روافض متقدم بوده است، می‌گوید در تأویل این آیت که «رَبَّنَا آرِنَا الَّذِینَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِینَ» این دو کس... یکی ابوبکر است و یکی عمر، که بنای خلافت به ظلم ایشان نهادند. اما جواب این کلمات آن است که بر هیچ دانشمندی پوشیده نماند که بهتان، زور و کذب است که حوالت کرده است از چند وجه... و بر شیعت آن حجت باشد که در تفسیر محمد باقر علیه السلام و در تفسیر الحسن علیه السلام باشد و در تفسیر شیخ طوسی و محمد قتال نیشابوری و ابوعلی طبرسی و ابوالفتح رازی باشد.<sup>۱</sup>

وی در همه آثارش، هیچ‌گاه از تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی، سخنی به میان نمی‌آورد اما در نمونه‌ای از احکام فقهی می‌نویسد:

به مذهب شیعه، اگر چه علی علیه السلام را نصّ و معصوم و بهتر از هر یک از امت گویند، مذهب ایشان چنین است که اگر در میان فصول بانگ نماز، بعد از

۱. همان، ص ۲۶۲، ۲۶۳.

شهادتین کسی گوید: اشهد ان علیا ولی الله، بانگ نمازش باطل باشد و با سر باید گرفت و نام علی علیه السلام در بانگ نماز بدعت است.<sup>۱</sup>

توجیه عبدالجلیل از ماجرای حمله به خانه حضرت فاطمه علیها السلام تا حدی، شگفت‌انگیز است. او در این باره می‌نویسد:

این خبر درست در کتب شیعی و سنی مذکور و مسطور است اما خبر برگزیده است، انما الاعمال بالنیات... یمكن که خود نداند که فاطمه در پس ایستاده است. اگر چنین باشد، آن را قتل خطا گویند و اگر هم عمدا باشد؛ نه معصوم است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۴. دفاع از حقانیت شیعه

عبدالجلیل قزوینی در مقام دفاع از شیعه در بسیاری از موارد، به نقد برخی اعتقادات گروهی از شیعیان می‌پردازد که به عقیده وی، عقاید غالیانه تجسیم و تشبیه هستند. وی درباره شأن و مقام امام علی علیه السلام می‌نویسد:

از کتب شیعه اصولیه معلوم است که ایشان را مذهب نبوده که درجه امیرالمؤمنین چون درجه انبیاست.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۹۷.  
 ۲. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۲۹۸؛ شوکانی، الرسائل السلفیة، «ارشاد السائل الی دلیل المسائل»، ص ۲۱۰، ۱۱۷.  
 ۳. افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۵۲۸-۵۲۹؛ هم‌چنین وی در برابر این ایراد دشمن که شیعه معتقدند «مامان همه غیبت دانان باشند، در گور همه غیبت دانند تا بدان حد که کسی به زیارت ایشان شود، بدانند که موافق کیست و منافق کیست و عدد نام‌ها و گام‌ها همه دانند»، چنین پاسخ می‌دهد: «جواب این کلمات، که خالی است از معنا و دور است از عقل و بر خلاف نقل و شرع، آن است که از نص قرآن و اجماع مسلمانان معلوم که غیب الا خدای ندانند... رسول الله صلی الله علیه و آله با جلالت و درجه نبوت، در مسجد مدینه زنده ندانستی که بر بازار چه می‌کنند و احوال‌های دگر تا جبرئیل نیامدی معلوم وی نشدی... پس ائمه، که درجه انبیا ندارند، در خاک خوراسان و بغداد و حجاز و کربلا خفته و از قید حیات برفته، چگونه دانند که احوال جهانیان بر چه حد است» (افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۲۸۵-۲۸۶).



در دوره‌های پیشین، دو مکتب فکری بغداد و قم در جهان تشیع، دو نقطه مقابل یکدیگر شناخته می‌شدند. شیخ صدوق (۳۰۵-۵۳۸ ه.ق) به بغدادیان، اتهام غلو و اعتقاد به تفویض وارد می‌ساخت.<sup>۱</sup> در مقابل، شیخ مفید (۴۱۳ ه.ق) و سید مرتضی (۳۵۵ ه.ق)، قمی‌ها را اهل تقصیر در حق رسول الله ﷺ و امامان می‌خواندند و از آنان به حشویه و گاه مشبهه و مجبره یاد می‌کردند.<sup>۲</sup>

شهید ثانی (۹۱۱-۹۵۵ ه.ق) با استناد به کتاب کُشی به دیدگاه رایج میان بسیاری از شیعیان و راویان احادیث در عصر حضور اشاره می‌کند که اعتقادی به عصمت امامان نداشتند و آنان را فقط عالمانی واجب‌الاطاعة می‌شمردند.<sup>۳</sup> این گروه، علم امامان را اکتسابی و جانشین حضرت ابراهیم را از جانشین حضرت محمد ﷺ افضل می‌دانستند.<sup>۴</sup> شیخ صدوق در *الایضاح*، اختلاف شیعه و سنی درباره خلفا را، تنها در حد برتری دادن حضرت علی بر شیخین تصویر می‌کند و اتهام لعن و ناسزا را نمی‌پذیرد.<sup>۵</sup> بنابراین، برخی از دیدگاه‌های غالبان شیعه، انتقاد عبدالجلیل قزوینی از غلو و حشویت که علمای بغداد و قم، یکدیگر را به یکی از آن دو متهم می‌کردند در کنار تسامح مذهبی او در برخی عقاید شیعی، نشان دهنده این واقعیت است که شیعیان با وجود هماهنگی فراوان دیدگاه‌هایشان با مکتب بغداد، مانند علم امام، از مکتب قم و گاه از دیگر دیدگاه‌ها در جهان تشیع تأثیر پذیرفته‌اند.

۱. ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۲۵۹، ۳۶۰.

۲. شیخ مفید، *تصحیح اعتقادات الامامیه*؛ ص ۱۳۵، ۱۳۶؛ جمعی از نویسندگان، *کنگره شیخ مفید*، ص ۴۶ و ۷۲-۷۳؛ *سیدمرتضی، مجموعه رسائل*، ج ۳، ص ۳۱۰.

۳. *بحر العلوم، الفوائد الرجالیة*، ج ۳، ص ۲۲۰.

۴. شاذان نیشابوری، *الایضاح*، ص ۷، ۱۶، ۱۸، ۲۶.

۵. ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، *الایضاح*، ج ۴، ص ۳۰۱-۳۰۴.

عبدالجلیل از هر دو گرایش غلو و اخباری‌گری گریزان بوده است. سرانجام این دو جریان در دوره صفویه (۸۸۰-۱۱۰۱ ه.ق) در یکدیگر ادغام شدند و تحت تأثیر نزاع مستمر صفویان و عثمانیان، چهره‌ای ویژه به تفکر شیعی بخشیدند.<sup>۱</sup> جلوه‌های اجتماعی این نوع تفکر شیعی، توجه برخی از پژوهش‌گران اجتماعی معاصر را جلب کرده است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۱-۵. واجب دانستن عصمت امام

عصمت یکی از ویژگی‌های ضروری برای اثبات امامت است و خداوند باید برگزیده و حجت خود را از آلودگی‌ها و کارهای زشت و ناشایست حفظ کند. عصمت در لغت، به معنای منع و حفظ است.<sup>۳</sup> معصوم در اصطلاح شرع، کسی است که به لطف خداوند سبحان از هرگونه، آلودگی به گناه، کارهای زشت، ناشایست و پلید دوری می‌کند، در حالی که توان انجام آنها را دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

معصوم کسی است که به [عنایت] خداوند از همه حرام‌ها حفظ می‌شود و خدای - تبارک و تعالی - فرموده است: هرکس به حفظ الهی بپیوندد، به یقین، به راه راست هدایت می‌شود.<sup>۴</sup> امام کسی است که اطاعتش بر همه امت به طور مطلق، واجب است؛ یعنی پیروی از تمام اوامر و نواهی امام، واجب و تخلف از آن، حرام و ممنوع است.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۴۱.

۲. برای آگاهی بیشتر، رک: رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی؛ علی شریعتی، تشیع علوی تشیع صفوی.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۰۳.

۴. « الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُتَمَنِّعُ بِاللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ قَدْ قَالَ: تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَنْ يُعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ » (آل عمران / ۱۰۱).

۵. ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، الايضاح، ج ۴، ص ۱۳۲.

اگر امام مفترض الطاعة از خطا و گناه مصون نباشد، ممکن است بندگان خدا را از روی خطا، به عصیان و نافرمانی دعوت کند و این تناقض محال است؛ زیرا در این صورت، خدای سبحان از یک سو به واسطه وجوب پیروی از غیر معصوم به گناه دستور می‌دهد و از سوی دیگر، آن را نهی می‌کند. بنابراین، عصمت لازمه جدایی‌ناپذیر اصل امامت است.

عبدالجلیل رازی با توجه به این دلایل نقلی و عقلی، عصمت را از شرایط امامت معرفی می‌کند و امامت غیر معصوم را نفی می‌کند. او با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام علم و عصمت را لازم افتراض طاعت و از آن جدا ناشدنی می‌داند. او در این باره می‌نویسد:

شخصی که عالم و معصوم نباشد، به امامت قبول نباید کرد.<sup>۱</sup>

عبدالجلیل رازی درباره امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌نویسد:

علی به حق و عالم و معصوم و امام مفترض الطاعة بود.<sup>۲</sup>

از دیدگاه او، کسانی را که عصمت ندارند هرگز نمی‌توان امام امت دانست، هر چند که دارای فضیلت‌های والایی باشند.<sup>۳</sup> عبدالجلیل رازی درباره حاکمان پس از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نویسد:

۱. قزوینی رازی، التقض، ص ۵۷۵، ۵۷۶.

۲. از این دوره به بعد، شاهد شکل‌گیری شیعه دوازده امامی در ایران هستیم که در آثار بسیاری از بزرگان قرون بعدی و قبل از صفویه، مانند حمدالله مستوفی (قرن ۸ هجری) در تاریخ‌گزیده، فضل بن روزبهان (قرن ۱۰ هجری)، تذکره الخواص سبط ابن جوزی (قرن ۷ هجری)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول محمد بن طلحه شافعی (قرن ۷ هجری)، کفایت الطالب گنجی شافعی (قرن ۷ هجری) معالم العشرة النبویة و معارف اهل البيت الفاطمیة، در شرح حال امامان اثنی عشریه از ابو محمد مبارک حنبلی جنابذی (قرن ۶ هجری)؛ الفصول المهمة فی معرفة احوال ابن صباح مالکی (قرن ۹ هجری) و الشذرات الذهبیة از ابن طولون (قرن ۹ هجری) به چشم می‌خورد (قزوینی رازی، التقض، ص ۱۷۵).

۳. قزوینی رازی، التقض، ص ۴۷۵.

آنچه از سیرت ابوبکر و صحابه یاد کرده ... شیعه انکار کنند در ایشان که مرتبه امامت برای امت نداشتند، به فقدان عصمت و نصوصیت و کثرت علم است.<sup>۱</sup>

او در پاسخ به اتهام پیروی شیعه از ابوالخطاب (۵۱۰۷ق) می‌نویسد:  
 اَمَّا خَطَّابِي وَ بَوَالِخَطَابِ رَا كَجَا بَا وِي (امیر مؤمنان علیه السلام) برابر توان  
 کردن که شیعت، ابن الخطاب را ... به امامت قبول نمی‌کند برای فقد عصمت و  
 نصوصیت. پندارم تبع ابوالخطاب کمتر باشند که شیعه در اعتقاد و مذهب، اقتدا  
 به ابو الخطاب کمتر کنند.<sup>۲</sup>

نویسنده کتاب نقض، درباره لزوم عصمت امام می‌نویسد:  
 قائم معصوم است چون محمد و جبرئیل. بلی مذهب و اعتقاد امامیه، این است  
 که ائمه را معصوم گویند، چون انبیاء و ملائکه که اگر نبی معصوم نباشد در  
 شرع خلل افتد. اگر امام معصوم نباشد، به قول و فعل وی اقتدا روا نبود. بر این  
 قول، دلایل و حجج و بیّنات بسیار است عقلی و سمعی<sup>۳</sup> عبدالجلیل رازی با  
 بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی می‌گوید: لاجرم امامت را نشایند که هرکس که  
 خمر خورده باشد یا بت سجده کرده باشد، وقتی که از اینها توبه کند، نبوت و  
 امامت را نشاید، اما مؤمن مخلص، تائب باشد. پس امام بعد از مصطفی، علی  
 باشد، نه بوبکر و نه عمر و نه عثمان و ... از این وجوه که بیان کرده شد.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۲۴۳.

۲. ابوالخطاب از پیشوایان فرقه خطابیّه و غالبان زمان امام جعفر صادق علیه السلام است.

۳. قزوینی رازی، النقض، ص ۵۴۹.

۴. همان، ص ۱۳۵.

۵. همان، ص ۴۴۶.

بنابراین، یکی از مسائل مهم در هم‌گرایی امت اسلامی را حضور امام معصوم در میان امت می‌داند که مانع افتراق و اختلاف در امت و در میان پیروان مذاهب مختلف است؛ زیرا عصمت امام، امت را از هرگونه پلیدی چون تعصب در دین و مذهب، اختلاف در عقاید و تفسیر به رأی در دین برحذر می‌دارد.

##### ۵. نتیجه

مقارن قدرت‌یابی سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ ه.ق) در ایران و به کارگیری متفکران عقل‌گرای مذهبی در ساختار حکومت اسلامی، هم‌گرایی و وحدت میان فرق اسلامی به ویژه شیعیان وجود نداشت. با گذر زمان و حضور شخصیت‌های مذهبی متعصب در مناصب حکومتی، اختلافات و خشونت‌های مذهبی درون جامعه اسلامی بیشتر شد.

در این دوران، با تلاش‌های طبقه حاکم بر فضای فکری و با حضور عالمانی شیعی، چون عبدالجلیل قزوینی، روش تسامح و تساهل مبنای فعالیت‌های علمی قرار گرفت و ایشان با ایجاد وفاق و وحدت میان امت اسلامی، روش‌هایی برای جلوگیری از اختلافات و فتنه‌انگیزی میان فرق و مذاهب اسلامی به کار بستند.

براین اساس، برپایی امت واحده و هم‌گرایی مذهبی میان پیروان فرق اسلامی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی بود که عبدالجلیل قزوینی برای احیای آن، بسیار تلاش نمود. تقریب و هم‌گرایی میان فرق و مذاهب اسلامی و تقویت بنیان‌های فکری شیعه از مهم‌ترین تلاش‌های عبدالجلیل قزوینی برای تعامل و تسامح میان امت واحده اسلامی بود که در نتیجه آن، دیگر علمای مکتب تشیع، انتقال اندیشه وحدت و هم‌گرایی را مبنای و محور فعالیت‌های علمی و اهداف متعالی خویش قرار دادند.

## منابع

۱. ابن بابویه القمی، محمد بن علی (الشیخ الصدوق)، *علل الشرائع*، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۲. \_\_\_\_\_، *معانی الأخبار*، تهران: مكتبة الصدوق، مؤسسه دار العلم، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس، ج ۳، الطبعة الثانية، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴.
۴. ابن طباطبا، ابراهیم بن ناصر، *مهاجران آل ابی طالب*، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد: آستان قدس، ۱۳۸۵.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم المصری الأنصاری، *لسان العرب*، ۶ جلد، قاهره: دارالمعارف باب القاف، ۱۹۹۶م.
۶. ابن اثیر. *عزالدین علی، الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ق.
۷. اتان کلبرگ، «مطالعات غرب در خصوص اسلام تشیع»، هفت آسمان، ش ۷۰.
۸. افندی. میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. قم: مطبعة الخیام، ۱۳۶۹.
۹. امین عاملی، سید محسن، *أعیان الشیعه*، ترجمه کمال موسوی، تهران: اسلامیة، بی تا.
۱۰. انصاری قمی، حسن، «سنت اعتقادی (جماعت) در تفکر اهل سنت و جماعت»، معارف، ۱۳۷۹، ش ۵۰.
۱۱. \_\_\_\_\_، «اهل سنت و جماعت و قدرت سیاسی: نگاهی دوباره به تاریخ مناسبات دین و دولت»، بی جا: بی نا، ۱۳۸۹.
۱۲. بحر العلوم، حسین بن محمد رضا، *الفوائد الرجالیة*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۱۳. جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۴. \_\_\_\_\_، «بستر تاریخی عزاداری امام حسین علیه السلام در میان اهل سنت»، کتاب‌های اسلامی، جامعه مدرسین قم.
۱۵. \_\_\_\_\_، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذاهب اهل سنت»، هفت آسمان، ۱۳۷۰، ش ۵.
۱۶. حائری، عبدالهادی، *ایران و جهان اسلام: پژوهشهایی تاریخی پیرامون چهره ها، اندیشه ها و جنبشها*، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۸.
۱۷. حسن انصاری قمی، «زیدیه و چالش حنابله و معتزله»، کتاب ماه دین، ش ۳۶.
۱۸. حسینی شاه ترابی، «سید مرتضی»، سخن تاریخ، تابستان ۱۳۸۷، ش ۳.

۱۹. حسینیان مقدّم، حسین و دیگران، تاریخ تشیع، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۲۰. سید المرتضی، رسائل المرتضی، بی جا: دارالقرآن، ۱۴۰۵.
۲۱. شاذان نیشابوری، الايضاح، تصحیح محدث ارموی. بیروت: الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۲۲. شریعتی، علی، تشیع علوی تشیع صفوی، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۳. شفایی، امان الله، «ابن شهر آشوب عالم تقریبی قرن ششم»، پیشگامان تقریب، ۱۳۹۰، ش ۲۹.
۲۴. شوشتری، نورالله، مجالس مؤمنین، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۵.
۲۵. شوکانی، محمدبن علی، الرسائل السلفية ارشاد السائل الى دليل المسائل، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
۲۶. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد شیخ صدوق، تعلیق سید هبة الدین شهرستانی، بی جا: منشورات، ۱۳۶۳.
۲۷. صدر، سید رضا، «مقام فقهی شیخ طوسی»، هزاره شیخ طوسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، علل الشرائع، نجف: المكتبة الحیدریّة، ۱۳۸۵.
۲۹. طاهری عراقی، «زندگی فخر رازی»، مجله معارف، فروردین - تیر ۱۳۶۵، ش ۱.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، بیروت: اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. \_\_\_\_\_، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۹ ق.
۳۲. عطاردی قوجانی، عبدالعظیم حسنی حیات و المسنده، تهران: بی نا، بی تا.
۳۳. کریمان، حسین، «الهامی از شیخ الطایفه»، هزاره شیخ طوسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۳۴. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات گنگره بزرگداشت عبدالجلیل قزوینی، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۱ ق.
۳۶. \_\_\_\_\_، مقالات بزرگداشت عبدالجلیل قزوینی (۱)، قم: دبیرخانه گنگره بزرگداشت عبدالجلیل قزوینی، بی تا.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی، مجموعه آثار شیخ مفید، (الاختصاص، الارشاد، الافصاح، الامالی، الفصول المختاره، المقنعه، ....)، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. \_\_\_\_\_، تصحیح الاعتقاد. قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۳.
۳۹. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، دمشق: وزارت الثقافة، بی تا.
۴۰. موسویان، سید محمد رضا، اندیشه ی سیاسی شیخ طوسی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۴۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. هدایتی، محمدعلی، تاریخ آستانه ری، بی جا: بی نا، ۱۳۴۴ ق.

43. Kafesoglu, Ibrahim *‘A History of Seljuks: Ibrahim Kafesoglus Interpretation and the Resulting Controversy*, tra, Gary leiser, Carbondale: Southern in University Press, 1988.
44. Koblberg, Etan *‘Be Life and Law in Imami Shiism*, Grent: Britain Variorum-1991T .

